

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

مرکز اطلاعات آراء علمی ایران
شعبه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد، فلسفه و کلام اسلامی

موضوع:

بررسی ادله‌ی درون دینی و برون

دینی پلورالیسم

استاد راهنما:

۱۳۸۲ / ۴ / ۵

آقای دکتر عباس علیزمانی

استاد مشاور:

آقای دکتر محسن جوادی

نگارش:

صدیقه صابری

تابستان ۱۳۸۱

۴۷۵۳

تقدیم ہے :

صاحب عصر و ذخیرہ الہی کہ جهان منتظر

قدوم اوست تا حق را جلوہ گر سازد .

تشکر و قدردانی

با سپاس و تشکر از استاد ارجمند آقای دکتر علیزمانی و جناب آقای دکتر جوادی که راهنمایی و مشاوره این رساله را بر عهده داشتند و مرا در تدوین آن یاری فرموده اند .
همچنین با تشکر از همسرم که در طول مدت تحصیل و نگارش پایان نامه همراه و همدل من بود .

مکیده :

دنیای امروز شاهد وجود ادیان متعدد و متنوعی است ، ادیانی که هر یک همراه با ادعای حقانیت ، خود را یگانه راه نجات و سعادت بشر می داند . در برابر توجیه و تبیین فلسفی این واقعیت ، سه دیدگاه عمده مطرح می شود ؛

۱- انحصار گرایی : که حق و نجات را منحصر در یک دین خاص می داند و خارج از آن دین ، برای پیروان سایر ادیان ، هیچ نجاتی متصور نیست .

۲- شمول گرایی : بر این عقیده است که حقیقت نهایی و مطلق ، تنها در یک دین وجود دارد ، اما از طریق سایر جریانهای دینی نیز به نحوی می توان به نجات دست یافت و آنها نیز ، بهره ای از حقیقت دارند .

۳- کثرت گرایی : در این دیدگاه همه سنتهای دینی ، راههایی یکسان و مساوی به سوی نجات می باشند و همه ادیان از اعتبار و ارزش یکسانی برخوردار هستند .

طرفداران کثرت گرایی دینی ، برای تبیین و اثبات دیدگاه خود دلائلی مطرح کرده اند. برخی از این دلایل بیرون دینی (فلسفی) و برخی دیگر درون دینی (مستند به قرآن و حدیث) هستند .

آیا این دلایل برای اثبات آن کافی می باشد ؟ و آیا کثرت گرایی دینی ، دیدگاهی معقول است ؟

در این رساله برآنیم تا دلیل ارائه شده بر کثرت گرایی دینی را مورد ارزیابی قرار دهیم .

کلید واژه ها :

سنتهای دینی . انحصار گرایی . شمول گرایی . کثرت گرایی . دلایل فلسفی - کلامی . دلایل درون دینی

فهرست مطالب

۱ مقدمه

فصل اول

- ۱۲ تعریف لغوی
- ۱۵ مبانی کثرت انگاری دینی
- ۱۶ تاریخچه
- ۲۱ لوازم کثرت انگاری دینی
- ۲۳ انواع کثرت انگاری
- ۲۳ کثرت انگاری فلسفی
- ۲۵ کثرت انگاری سیاسی
- ۲۷ کثرت انگاری اخلاقی
- ۲۸ کثرت انگاری معرفتی
- ۳۴ ماحصل و مرور

فصل دوم

- ۳۷ تکثر تفسیرهای متون دینی
- ۴۰ تنوع و تعدد تفسیر تجربه های دینی
- ۴۴ گوهر ادیان تجربه دینی است
- ۴۸ تفکیک نومن از فنومن
- ۵۳ خویشاوندی همه ی حقایق
- ۵۵ کثرت در میان ارزشیها و فضایل
- ۵۸ غرقه شدن حقیقت در حقیقت
- ۵۹ دینداری بیشتر دینداران علت دارد نه دلیل
- ۶۰ تکافؤ ادله
- ۶۲ ماحصل و مرور

فصل سوم

- ۶۴ اسلام تسلیم مطلق به خدا
- ۶۷ هادی بودن خدا
- ۷۳ وحی بر پیامبران نوعی تجربه دینی است

۷۴ استعمال صراط مستقیم به صورت نکره
۷۶ ناخالصی امور عالم
۸۱ تمجید از اهل کتاب
۸۲ ایمان و عمل صالح ملاک هدایت است
۸۴ تکثر ادیان خواست خداست
۸۷ ماحصل و مرور

فصل چهارم

۸۹ انحصار انگاری
۹۵ انحصار انگاری اسلام
۱۰۰ شمول انگاری دینی
۱۰۶ ماحصل و مرور

فصل پنجم

۱۰۷ معیار های صدق
۱۱۰ نتیجه گیری
۱۱۳ چکیده (به زبان انگلیسی)
۱۱۴ فهرست منابع

ای خدای پاک بی انبار و یار دستگیر و جسم ما را در گذار

یاد ده ما را احسنهای رفیق که ترار حم آورد آن ای رفیق

هم دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو

گر خطا کتیم اصلاحش تو کن مصلحتی تو ای تو سلطان سخن

کمیا داری که تیش کنی گر چه جوی خون بود نیش کنی

این چنین میاگرها کار توست این چنین اکثر ز اسرار توست

مقدمه :

« و خدای سبحان از فرزندان آدم پیامبرانی برگزید . خدا پیمان وحی را از پیامبران گرفت تا امانت رسالت را به مردم برسانند ، آنگاه که در عصر جاهلیتها، بیشتر مردم پیمان خدا را نادیده انگاشتند و حق پروردگار را نشناختند و بزایر او به خدایان دروغین روی آوردند و شیطان مردم را از معرفت خدا باز داشت و از پرستش او جدا کرد ، خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه ، متناسب با خواسته های انسان ، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد ، تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمتهای فراموش شده را به یاد آورند ... خداوند هرگز انسانها را بدون پیامبر ، یا کتابی آسمانی ، یا برهانی قاطع ، یا راهی استوار رها نساخته است ، پیامبرانی که با اندک بودن یاران و فراوانی انکار کنندگان ، هرگز در انجام وظیفه خود کوتاهی نکردند . بعضی از پیامبران بشارت ظهور پیامبران آینده را دادند و برخی دیگر را پیامبران گذشته معرفی کردند ، بدین گونه قرنهای پدید آمد و روزگاران سپری شد . پدران رفتند و فرزندان جای آنها را گرفتند ، تا اینکه خدای سبحان ، برای وفای به وعده خود و کامل گردانیدن دوران نبوت ، حضرت محمد (ص) را مبعوث کرد .^۱ »

دین به عنوان یکی از نیازهای بشری ، در طول تاریخ ، همواره همراه آدمی بوده است . توجه به عالم قدسی و آسمانی در زندگی انسانها باعث پیدایش گونه های مختلف پرستش شده و در این میان ، تنها وحی الهی و پیامبران خدا، شیوه صحیح عبادت و راه مستقیم نجات را برای بشر به ارمغان آورده ، و او را از شرک و رفتن به بیراهه نجات بخشیده است . در طول تاریخ ، به اقتضای تکامل تدریجی بشر ، رسولانی از پی هم فرستاده شده اند . در میان انبوه پیامبرانی که مبعوث شده اند (به عبارتی یکصد و بیست چهار هزار پیامبر) تنها پنج تن را صاحب دین و شریعت می دانیم و سایر پیامبران مبلّغ دین موجود در زمان خود بودند . آنچه در دنیای امروز باقی مانده تنوعی از ادیان می باشد که در انتساب برخی به سلسله ادیان الهی تردید است ، با این همه برخی از متفکران غربی پا را فراتر گذاشته و می خواهند مکاتب فلسفی چون «اومانیسیم» و «مارکسیسم» را هم ردیف ادیانی چون اسلام و مسیحیت قرار دهند^۲

در برخورد با هر یک از ادیان ، ادعای حقایق هر یک مشاهده می شود و هر کدام از این سنتهای دینی ، خود را یگانه را نجات انسان معرفی می کند .

^۱ فتح البلاغه خطبه اول ترجمه محمد دشتی . ص ۳۹

^۲ ر . ک . جان هیک . مباحث پلورالیسم دینی . ترجمه عبدالرحیم گواهی . ج اول . تهران موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان .

به عنوان مثال : در مسیحیت است که « هیچ کس جز از طریق من به پدر نمی رسد » ؛^۱ یهود خود را قوم برگزیده خدا می شمارد و یا مسلمانان بر اساس قرآن عقیده دارند ؛ تنها دین مقبول درگاه خدا ، اسلام است : « و مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا لَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ »^۲.

آیا تنها یک راه به سوی خدا هست ؟ اگر خدا وجود دارد چرا خود را در تمام مکانها و زمانها ، برای همه ملتها و افراد آشکار نساخته است ، یا خود را از طریق ایمانهای متفاوت ، نمادهای متفاوت و تفاسیر مختلف از خودش ، متجلی کرده است ؟ همه ادیان یا همه ادیان بزرگ صرفاً راههای متفاوتی به سوی یک واقعیت نهایی اند؟^۳

تاریخ ادیان شاهد ظهور سنتهای دینی گوناگون بوده است و اکنون با واقعیت تکثر و تنوع ادیان مواجهیم ، این واقعیت را چگونه می توان توجیه و تبیین فلسفی کرد ؟ نگرش به ادیان ، دو گونه است :

الف) هر یک از ادیان سیستمهای مجزایی هستند با باورهای متضاد .

ب) ادیان با یکدیگر ارتباط مستمر داشته و در طول تاریخ متحول شده اند .

در نگاه اول ، « با شماری از تعینات یا ارگانسیمهای تاریخی گسترده و با عمر طولانی مواجه هستیم که با نامهایی چون مسیحیت ، هندویسم ، اسلام ، بودیسم و غیره خوانده می شوند . هر کدام از اینها چارچوب یا طرحی کلی از باورها می باشند که صورت خاص و متمایزی از حیات دینی را شکل می دهند . به این ترتیب ادیان بودایی ، اسلام ، مسیحیت و بقیه آنها ، به عنوان موجودات یا هستیهای اجتماعی دینی متضاد و متقابلی که حاصل باورهای دینی متمایزی هستند دیده می شوند و هر فرد دینداری عضو یکی از این گروههای دینی ناسازگار و مانعة الجمع می باشد.»^۴ سؤال این است ادعای حقایقیت کدام یک از این گروههای دینی حقیقی است ؟

نگرش دوم بر شباهتهای ادیان تاکید دارد . کنت ول اسمیت « با برگرفتن دو موضوع و پیگیری بسط تاریخی آنها می کوشد این توهم را بزدايد که ادیان قالبهای خشک و بی روح و منجمدی هستند که می توان آنها را جدای از یکدیگر دید و شناخت . یکی از آن دو داستان مشهوری است مربوط به شاهزاده ای که در اوج برخورداری از قدرت و ثروت ، به تمکن دنیوی پشت پا می زند و زندگی زاهدانه را بر می گزیند . اسمیت با تأثیر این داستان در زندگی نویسنده معروف «تولستوی» آغاز می کند و رد پای آن را به ترتیب در اندیشه های مسیحی ، اسلامی ، مانوی ، بودایی ، جاینی و سرانجام هندو می جوید . مثال دیگر

^۱ انجیل یوحنا (باب ۱۴ . آیه ۶)

^۲ آل عمران (۳/۱۹)

^۳ philosophy of Religion: An Anthology . vol2 . part 8 . p519

^۴ جان هیک، مباحث پلورالیسم دینی . پیشین، ص ۵۹-۶۰

استفاده از تسبیح هنگام ذکر و دعاست که از بودیسم آغاز می شود و پس از ورود به اسلام از آنجا بر مسیحیت تاثیر می گذارد. ملاحظیات کوچکی از این دست که در آثار اسمیت بسط یافته است، وی را بر آن داشته که از « وحدت تاریخ دیانت بشر » سخن بگوید و بکوشد تا به سوی الهیاتی جهانی گام بردارد.^۱

با وجود این شباهتها، تمایزات اساسی در ادیان بچشم می خورد. ادیان گوناگون برداشتهای متفاوت و گاه متعارضی از واقعیت غایی دارند، یهوه، پدر، الله، شیوا. آیا مردم در کلیسا، کنیسه، مسجد، گوردوارا^۲ و معبد، خدایان گوناگون را می پرستند یا خدای واحد را؟ آیا خدایان متعددی وجود دارد یا تنها یک دین خدای حقیقی را می پرستند و سایر ادیان، خدایان دروغین و پنداری^۳؟

چهار پاسخ را می توان مطرح کرد « نخست طبیعت گرایی (naturalism) تحویل گراست. در این دیدگاه، عقاید دینی راجع به بعد متعالی یا مابعدالطبیعی وجود، همگی نادرستند. عقاید دینی ما بعد الطبیعی، صرفاً به عنوان نتایج مکانیزم فرافکنی انسان تبیین می شوند. مکتوبات فیلسوفان و دانشمندان طبیعت گرایی همچون فوئرباخ، مارکس، فریدودور کیم، راه هایی را که در آنها چنین فرافکنی هایی ممکن است اتفاق بیافتد، بیان می کند. دوم انحصارگرایی (exclusivism) است، انحصار گرایی عقیدتی، دیدگاهی است که می گوید: تعالیم یک دین، کاملاً درستند و در موارد تعارض، تعالیم سایر ادیان غلطند. انحصار گرایی نجات شناسانه دیدگاهی است که در آن تنها یک دین، راه مؤثر به سوی رستگاری، یا رهایی را ارائه می کند. اگر چه این دو نوع انحصار گرایی بطور منطقی، از یکدیگر مستقل اند معمولاً با هم پذیرفته می شوند. سومین دیدگاه که حمایتهای فزاینده ای در نیمه دوم قرن بیستم پیدا کرده است، شمول گرایی (inclusivism) است: (تنها) یک دین مشتمل بر حقیقت نهایی است و ادیان دیگر تنها رویکردهایی به سوی آن یا [برای] تقریب به آن هستند این دین برتر، بیشترین و موثرترین راهها را بسوی رستگاری پیشنهاد می کند، اما افرادی که بیرون از این دین هستند می توانند به طریقی نجات یافته یا رها شوند. دیدگاه آخر، کثرت گرایی (pluralism) است که نظریه نسبتاً تازه ای است بر اساس کثرت گرایی یک حقیقت دینی نهایی مطلق، بصورتهای متفاوت، در همه گرایشهای دینی اصیل، تجربه و

^۱ سید امیر اکرمی. نردبانهای آسمان. (کتاب صراطهای مستقیم. چ سوم. تهران، مؤسسه فرهنگی صراط ۱۳۷۸) ص ۱۹۹-۱۹۸

^۲ نام معبد سیکهاست.

^۳ ر.ک. الوین پلانتینجا و دیگران. جستارهایی در فلسفه دین. ترجمه مرتضی فتحی زاده چ اول. قم. دانشگاه قم. انتشارات اشراق. ۱۳۸۰. ص ۹۱.

درک می شود. تا آنجا که می توان گفت، آنها همه راههای متساوی الثائیری را بسوی رستگاری یا آزادی پیشنهاد می کنند.^۱»

پرسش در باب تنوع ادیان دو جنبه دارد یکی معرفت شناختی و دیگری اخلاقی «از یک سو، این پرسش که ما «درباره سایر ادیان چه تلقی ای باید داشته باشیم؟» پرسشی معرفت شناختی است ناظر به اینکه اعتقاد ورزیدن به کدام اعتقادات، معقول است و پرسشی وجود شناختی ناظر به متعلق آن اعتقادات. لازمه پاسخ دادن به این پرسشها، این است که ما مدعیات صدق و کذب بردار ادیان مختلف را مورد بررسی قرار دهیم... از سوی دیگر، این پرسش که ما «درباره سایرین چه تلقی ای باید داشته باشیم؟» پرسشی اخلاقی است. ما باید با پیروان ادیان دیگر، دست کم، مطابق با احکام اخلاقی دین خود در باب سلوک با انسانهای دیگر، رفتار کنیم. ارزیابی مدعیات صدق و کذب بردار دیگران و [نخوه] سلوک با دیگران موضوعات مستقل از یکدیگرند. اما این نکته غالباً مورد غفلت قرار می گیرد.»^۲

مسئله کثرت گرایی دینی، معرفتی درجه دوم است ناظر به دین خاصی نیست و رای ادیان و فارغدلانه به مسئله حقیقت و دعاوی متعارض ادیان و نجات و رستگاری می پردازد.

«نقطه شروع پلورالیزم، تصدیق حضور خدا در ایمان و زندگی افرادی است که در سایر سنتها می زیند. ما می توانیم از راههای مختلف انسان بودن استقبال کنیم و بپذیریم که برای زندگی امکانات مختلفی وجود دارد ما می توانیم نسبت به اشخاصی که در سایر فرهنگها هستند احساس مسئولیت کنیم و بکوشیم از نظرگاه آنان به جهان بنگریم و در عین حال مفروضات فرهنگی خود را یکسره پشت سر ننهیم، ما می توانیم نگرش اعتقادی در پیش گیریم و بر آنچه در زندگیمان رومی داده اعتراف کنیم بی آنکه درباره دیگران قضاوتی داشته باشیم (کوتاه سخن آنکه) وفاداری به سنت خویش را می توان با احترام به سایر سنتها جمع کرد.»^۳

^۱ فیلیپ کوئین. کثرت گرایی دینی. ترجمه مریم لاریجانی. پژوهشهای فلسفی-کلامی، ش ۶-۵. سال دوم. ص ۱۴۶، ۱۳۷۹.

^۲ مایکل پترسون و دیگران. عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. ج اول. تهران. انتشارت طرح نو. ص ۴۰۱، ۱۳۷۶.

^۳ ایان باربور. پلورالیزم دینی. ترجمه رضاگندمی نصرآبادی. دین پژوهان (ویژه دومین کنگره دین پژوهان). اردیبهشت ۷۹. ص ۶۸.

۱- کثرتی که در نهایت برای پلورالیسم ثابت می شود چگونه کثرتی است ؟
۱-۱ تبیین انواع کثرتی که در مقام ثبوت می توان تصور کرد در عین حفظ وحدت ، به قرار ذیل است .

« یک) تمام ادیان هدف و محتوای واحدی دارند و پیامبران برای یک منظور و مقصود مبعوث شده اند و یک ندای الهی است که از زبان رسولانش به گوش آدمیان رسیده است اما به دلیل ظهور پیامبران در جوامع مختلف و در زمانهای مختلف با مردمانی دارای فرهنگهای متفاوت ، این پیام واحد ، صورتهای کثیر پذیرفته است ، به عبارت دیگر ، پلورالیسم فرهنگی و تحویل ناپذیری ذاتی آنها به یکدیگر که امروزه از مسلمات است موجب شده این پیام واحد در میان انسانها تجلیات و ظهورات کاملاً متفاوت و تحویل ناپذیری بیابد . تردیدی نیست که هر اندیشه ای که وارد نظام فرهنگی می شود ، متشخص به تشخصات و ملبس به لباس آن نظام می شود و دین نیز از این امر مستثنا نیست . هر پیامبری هم که در قومی برگزیده می شود ، چون خود برخاسته از همان فرهنگ است و باید به لسان قومش (که لسان فقط زبان نیست بلکه باید گفت به فرهنگ قومش) با آنان سخن بگوید . لذا این پیام واحد ، هم در مرحله نزول و ابلاغ و هم در مرحله فهم پیروان ، صبغه فرهنگ جامعه را می گیرد . پلورالیسم در این فرض نسبت به دین امری عرضی است ، یعنی پیام ذاتاً واحد ، به دلیل پلورالیسم فرهنگی متعدد شده است .

دو) ادیان ذاتاً تفاوت جوهری دارند ، یعنی روشهای مختلف و متفاوت و تحویل ناپذیری برای رسیدن به هدف واحدند این تفاوت جوهری ، هم در محتوای ادیان است و هم در نحوه تفسیر و تبیین آن مشترکات (خدا ، رسول و آخرت) و هم در تجربه دینی . یعنی علیرغم جهت گیری واحد آنها به سعادت اخروی ، راههایی کاملاً متفاوت در عرض یکدیگر برای رسیدن به این مهمند این فرض بر خلاف فرض قبلی به پلورالیسم ذاتی و تعدد در عرض هم در نفس پیام الهی نظر دارد و فقط جهت گیری و هدف ادیان را واحد می داند .

سه) ادیان با یکدیگر تفاوت دارند ، ولی اختلاف آنها طولی است به عبارت دیگر ، برای رسیدن به هدف واحدی که ادیان برای آن آمده اند ، راههای مختلفی وجود دارد ، ولی اختلاف این راهها به کمال و نقص است ، یعنی اختلاف تشکیکی است . هدایت که ذاتاً امری تشکیکی است از حداقل هدایت تا حداکثر آن را در بر می گیرد و پیام هر رسولی در مقایسه با رسول قبلی همان است و چیزی بیشتر ، این تفاوت در کمال و نقص ، هم در محتوای پیام انبیا جاری است و هم در رابطه آن با هدف . به عنوان راههای بهتر و سهل الوصولتر و موفق تر در رسیدن به هدف «^۱

^۱ سیدمجتبی شبیری، صراطهای مستقیم تر . کیان، ش. ۳۸، ص. ۱۲.

چهار) می توان نوع دیگری از کثرت را نیز به این موارد افزود؛ به این ترتیب که؛ ما دین واحدی داریم نه ادیان متعدد. هدف همه انبیا یکی بوده، و نقطه تفاوت و اختلاف، شریعت آنهاست. «از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است؛ همه پیامبران اعم از پیامبران صاحب شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت، به یک مکتب دعوت می کرده اند، اصول مکتب انبیا که دین نامیده می شود یکی بوده است. تفاوت شرایع آسمانی یکی در یک سلسله مسائل فرعی و شاخه ای بوده که بر حسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگیهای مردمی که دعوت می شده اند، متفاوت می شده است و همه، شکلهای متفاوت و اندامهای مختلف یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است و دیگر در سطح تعلیمات بوده که پیامبران بعدی به موازات تکامل بشر، در سطح بالاتری تعلیمات خویش را که همه در یک زمینه بوده القا کرده اند. مثلاً؛ میان تعلیمات و معارف اسلام در مورد مبدء و معاد و جهان و معارف پیامبران پیشین از نظر سطح مسائل، تفاوت از زمین تا آسمان است ... این تکامل دین است نه اختلاف ادیان. قرآن هرگز کلمه «دین» را به صورت جمع (ادیان) نیاورده است»^۱.

۱-۲ از سخنان طرفداران کثرت انگاری نتیجه می گیریم که پلورالیسم بیشتر با دو صورت اول و دوم منطبق است.

جان هیک می گوید: «ادیان مختلف، جریانهای متفاوت تجربه دینی هستند که هر یک در دوره ای از تاریخ بشر آغاز شده و خودآگاهی عقلی خود را در یک فضای فرهنگی متفاوت باز یافته است»^۲.

وی در جای دیگری به تأثیر فرهنگ بشری در ادراک واقعیت مطلق اشاره می کند. «اگر ما فرض کنیم که واقعیت مطلق واحد است اما ادراکات و تصورات ما از این واقعیت متعدد و گوناگون است. زمینه ای برای این فرضیه فراهم خواهد شد که جریانهای مختلف تجربه دینی، بیانگر آگاهی های مختلف ما از یک واقعیت نامحدود متعالی هستند که بصورت های کاملاً متفاوتی، توسط اذهان بشری ادراک گردیده، از تواریخ مختلف فرهنگی تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر گذارده است»^۳.

در دو صورت اول و دوم کثرتی عرضی برای ادیان تصویر می شود بنابراین پلورالیسم معتقد است ادیان در عرض هم هستند نه در طول یکدیگر و بدون کم و زیاد از حقانیت و اعتبار

^۱ مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی ج سوم (وحی و نبوت): چ هفتم، تهران انتشارات صدرا ۱۳۷۴، ص ۳۸-۳۹

^۲ جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، چ اول، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲- ص ۲۳۸.

^۳ همان ص ۲۴۵

برابر و یکسان برخوردار هستند . هیچ دینی بر دین دیگر رجحان ندارد و نمی توان حقانیت مطلق آن را اثبات کرد.^۱

۲- پلورالیسم دینی در سه حوزه مطرح می شود :

۱- پلورالیسم در نجات

۲- پلورالیسم در حقانیت

۳- پلورالیسم در قرائت دینی

- پلورالیسم در نجات مدعی است که تمام ادیان راهی برای رستگاری و نجات آدمی فراهم می آورند و راه نجات و رستگاری منحصر به دین خاصی نیست .

- پلورالیسم در حقانیت بر آن است که هر کدام از ادیان آسمانی ، بهره ای از حقیقت دارند بنابراین یک دین حق مطلق نداریم . ادعای انحصاری بودن حق اشتباه است .

- پلورالیسم در قرائت دین که در مقام فهم متون دینی در درون هر سنت دینی می باشد مدعی است که ما از متون دینی یک دین واحد ، قرائتهای معتبر متعددی می توانیم داشته باشیم . این دیدگاه به تعدد مذاهب دینی سنتهای دینی می انجامد .

از دیدگاه هیک کثرت گرایی دینی چند وجه دارد « یک وجه آن مربوط به تسامح است . به مسیحیان توصیه شده که با پیروان سنتهای دینی غیر مسیحی ، ارتباط خوب داشته و نسبت به آنها تکبر نداشته باشند . در اصطلاح به اینگونه کثرت گرایی دینی ، کثرت گرایی دینی هنجاری یا کثرت گرایی دینی اخلاقی می گوئیم . یعنی این عقیده که وظیفه اخلاقی مسیحیان ، این است که پیروان ادیان غیر مسیحی را محترم بشمارند ... »^۲ .

دومین وجه کثرت گرایی دینی مربوط به نجات است : « تعریف مقدماتی کثرت گرایی دینی نجات شناختی این است که غیر مسیحیان می توانند به نجات عیسوی نائل شوند ... آثار اولیه جان هیک درباره کثرت گرایی دینی بر کثرت گرایی دینی هنجاری و کثرت گرایی دینی نجات شناختی متمرکز بود و ظاهراً فرض او این بود که برای پیروان همه ادیان جهان ، کثرت گرایی دینی هنجاری وابسته به کثرت گرایی دینی نجات شناختی است ولی جان هیک سالهاست که مرکز توجه خود را به وجه دیگر کثرت گرایی یعنی کثرت گرایی دینی معرفت شناختی معطوف کرده است . این وجه را شاید بتوان بطور مبهم و غیر صریح بدین

۱ ر.ک. همایون همتی . (گفتگو) پلورالیسم دینی ، حقیقت دینی یا واقعیت سیاسی کیهان فرهنگی . ش ۱۳۳ سال چهاردهم . ص ۹. خرداد و تیر ۱۳۷۶

۲ محمد لگنهاوزن ، اسلام و کثرت گرایی دینی ، ترجمه نرجس جواندل ، چ اول ، قم موسسه فرهنگی طه . تابستان